

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Examining the Impact of Seasonal Changes on Embodied Perception
Capabilities and Behavior: A Case Study of Darakeh, Tehran
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر تغییرات فصول بر قابلیت‌های ادراک بدنمند بر رفتار (مورد مطالعاتی: فضای درکه در تهران)*

سعید شریف کاظمی^۱، فرح حبیب^{۲*}، مریم قلمبر دزفولی^۳

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران.

۳. استادیار گروه شهرسازی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

چکیده

بیان مسئله: روانشناسی محیطی به عنوان یک حوزه علمی گسترده پیرامون یافتن نحوه و نوع ارتباطات انسان با محیط احاطه کننده اوست یا به زبان ساده تر نحوه رفتارهای انسان در فضا که تحت تأثیر قرارگیری در محیط رفتاری است را بررسی می کند. این بحث که انسان به عنوان بخشی از محیط نقش ایفا می کند و کلیه رفتارهای او بر فضای پیرامونی تأثیر می گذارد و از آن تأثیر می پذیرد یک حقیقت بلامنازع است اما این امر که چرخه مورد نظر، تحت تأثیر عوامل محرک حسی این تجارب را می آموزد یا تحت تأثیر کدام محرکها تغییر رفتار می دهند، یک پرسش اساسی است.

هدف پژوهش: این پژوهش به دنبال ارتباطات میان ادراک ناشی از مناظر بصری فضا و نحوه تغییرات در الگوهای رفتاری فردی یا جمعی است. به همین دلیل نیز از فضای درکه، به عنوان یک فضا با وجود مناظر حسی متنوع و گسترده با جامعه مخاطبین مختلف برای رسیدن به این هدف استفاده شده است.

روش پژوهش: این پژوهش از دو روش کیفی مطالعات قوم نگاری (رفتارنگاری) و همچنین پیاده روی حسی برای بررسی مقرهای حسی - رفتاری استفاده کرده است که در بازه های زمانی مختلف در فصول بهار و تابستان، به بررسی تغییرات رفتاری و مناظر حسی پرداخته است.

نتیجه گیری: یافته ها نشان می دهد که تغییرات مناظر حسی در فصول بهار و تابستان به شکل محسوسی بر رفتارهای انسانی در فضای درکه تأثیر گذار است. در فصل بهار، حس بویایی و بینایی غالب بوده و با تقویت تعاملات دوستانه و رفتارهای لحظه ای، الگوهای جاری رفتاری را تحت تأثیر قرار داده است. در مقابل آن در تابستان، حس بساواایی به واسطه تغییرات اقلیمی فعال تر شده و تعاملات فردی با غریبه ها را پررنگ تر کرده است. این تغییرات حسی در ارتباط مستقیم با ویژگی های کالبدی محیط و چرخه های زمانی قرار داشته و نشان دهنده اهمیت برنامه ریزی محیطی برای ارتقای کیفیت فضاهای جمعی است. به طور کلی، تحریکات حسی مختلف در کنار عناصر کالبدی، بستری برای شکل گیری و تنوع الگوهای رفتاری فراهم می کنند.

واژگان کلیدی: قابلیت های ادراکی، ادراک بدنمند، رفتار، سینومورفی.

مقدمه و بیان مسئله

مانند ویژگی های کالبدی، مناظر حسی و تغییرات فصلی تأثیر می پذیرد. انتخاب فضا برای حضور و تجربه، یک فرایند ادراکی و رفتاری است که انسان در راستای رفع نیازهای مختلف خود

در جوامع انسانی، تعامل افراد با محیط پیرامون، یکی از محورهای اصلی رفتارهای انسانی است که از عوامل مختلفی

* به راهنمایی دکتر «فرح حبیب» و مشاوره دکتر «مریم قلمبر دزفولی» در واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: f.habib@srbiau.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «سعید شریف کاظمی» با عنوان «تبیین رابطه ادراک چندحسی و هم ساختی محیط و رفتار فضاهای جمعی بر پایه قابلیت های ادراکی (مورد پژوهی: فضاهای جمعی منتخب شهر تهران)» است

مهمی در جهت اجتماعی شدن افراد است و علاوه بر این اجتماع پذیری فضاهای عمومی موجب ارتقای روحیه همبستگی، رشد فردی، ایجاد و برای همه شهروندان، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، قومیت، سن یا سطح اجتماعی و اقتصادی است (Shojaee & Partovi, 2015, 96 & 97). فضاهای جمعی به جز جوانب فیزیکی، کالبدی، نوعی فضای ادراکی و نمادین است که با خصلتی نظام مند و ماهیتی مرکب با زمان اجتماعی و فرهنگ جامعه پیوندی ناگسستنی داشته و تثبیت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن مؤثر و همچنین این فضاها حامل میراث تاریخی و فرهنگی جامعه است (یزدانی و لواسانی، ۱۳۸۹، ۴۴).

در هنر و معماری، ادراک و اندیشه ورزی اساسی از فرایند شهرسازی به شمار می‌رود و می‌رود، چنان که معماری در طول تاریخ، محملی برای بیان اندیشه و تمنیات ذاتی بشری بوده که تلاش داشته است تا تبلور درونمایه‌های فکری و فرهنگی خود را به ترسیم و تجسیم مادی قرین کند. لذا با این دیدگاه می‌توان شهر را نیز تبلور اندیشه‌ها، زمینه‌های تاریخی و ریشه‌های فرهنگی جامعه دانست (Abbasi et al., 2015, 293). به گفته ماتاک ادراک انسان از جهان ادراکی فضایی و فضا سه بعدی است. گیبسون در کتاب «ادراک جهان بصری» می‌نویسد، انسان این واقعیت سه بعدی را به صورت پرسپکتیو درک می‌کند که به وسیله محرک‌های تحریک کننده و ساختار آنها و تغییرات حسی دریافت شده با او ارتباط برقرار می‌کنند (Gibson, 2014).

محیط شامل مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و اجتماعی به عنوان ابژه ادراکی مطرح است. ادراک محیط و دریافت داده‌های حسی از طریق حواس پنج گانه تحقق می‌یابد. حاصل این فرایند ادراک حسی محیط است. ذهن دو نوع واکنش شناختی و عاطفی به داده‌های دریافتی از طریق حواس بروز می‌دهد (Arnheim, 2016). ادراک محیط، فرایندی است که انسان از طریق آن داده‌های لازم را براساس نیاز از محیط پیرامون برمی‌گزیند. ادراک محیط سازوکاری بیرونی-درونی، فرایندی ذهنی یا روانی است که گزینش و سازمان دهی اطلاعات حسی و در نهایت معنی بخشی به آنها را به گونه‌ای فعال به عهده دارد (Zabetian & Kheyroddin, 2019, 49). محدوده نزدیکی حواس در یک فضای شهری برای این است که تعامل حسی اتفاق بیافتد و فرایند ادراک آغاز شود. یعنی حواس بینایی، صدا، بویایی، چشایی یا لامسه با تحریک شدن سرخ‌هایی در مورد جهان اطراف را جمع‌آوری می‌کنند که به آنها «سیستم» اطلاق می‌شود. این سیستم‌ها محدوده‌های مختلفی برای کاوش در فضای شهری دارند. لمس، بو و مزه اطلاعاتی را در محدوده «فضای نزدیک» ارائه می‌کند، این در حالی است که سیستم‌های بینایی و شنوایی می‌توانند اطلاعات را در محدوده وسیع‌تری به عنوان «فضای دور» دریافت کنند (Wankhede & Wahurwagh, 2016, 742). روابط کارکردی بین ابعاد محرک و عوامل تجربه و تعیین

به آن می‌پردازد. این تعامل پیچیده میان انسان و محیط، نقشی کلیدی در شکل دهی به رفتارها، الگوهای تعاملات اجتماعی و تجربیات زیباشناختی ایفا می‌کند. با توانایی بصری، انسان با فضا که عموماً دارای عناصری ثابت (تغییرها در بلندمدت اتفاق می‌افتد) است، درگیر می‌شود و فضا را شروع به تجربه می‌کند اما با حواس بویایی، چشایی، لامسه و شنوایی است که می‌تواند تغییرها را حس کند. تغییرات فصلی و حسی در محیط، نه تنها بر سطح ادراک بلکه بر کیفیت و نوع رفتارهایی که در فضا رخ می‌دهد تأثیر گذار است. وزش باد یا سایه اندازی درختان، بلند شدن صدای کلاغ‌ها یا گنجشک‌ها، بوی بلال و لبو در تابستان و زمستان که همگی از تغییر مناظر در بازه‌های مختلف خبر می‌آورد. تجربه او در طول زمان افزایش می‌یابد و ادراک متأثر از این کالبد و فعالیت‌های مختلف نیز شروع به تکمیل می‌شود. پس آن است که این ادراک، عامل وجودی رفتار می‌شود و بنا به فهم انسان از محیط چه کالبد و چه فعالیت است که رفتارهای خود را برای بروز، دیده شدن توسط دیگران و تطابق، تنظیم و برنامه ریزی می‌کند. اینجاست که او می‌تواند جذب روند بروز فعالیت‌ها شود یا جدایی گزیند. انتخاب مقرهای رفتاری شرط صرف حضور نیست و بالطبع یک رابطه دوسویه است، علاوه بر این که این قرارگاه‌ها دائمی نیستند و پس از پایان الگوهای رفتاری جاری خود، پایان می‌یابند؛ اما ممکن است از بین نروند و دوباره به جریان بیافتند و این گونه است که فضاهای جمعی به حیات خود ادامه می‌دهند یا به زوال می‌رسند. لزوم بررسی فضاهای جمعی بر پایه قابلیت‌هایی که برای ارسال پیام‌های مشخص به باشندگان در راستای تسهیل فرایند ادراک و خلق معنا انجام می‌دهند، بسیار حائز اهمیت است. از آنجاکه ریشه رفتارهای انجام شده در یک فضا را ادراک حضور پذیران در آن فضا شکل می‌دهد، لذا شناخت عوامل مؤثر بر آن و احساساتی که در یک فضا به واسطه «بدن» تجربه می‌کنند، می‌تواند گره گشایی برای جهت دهی به رفتارها و تقویت امکان دهندگی در جهات مثبت رفتاری باشد. در این پژوهش، بررسی تأثیر مناظر حسی و تغییرات فصول بر رفتارهای انسانی با تمرکز بر محیط‌های جمعی، هدف اصلی بوده است. استفاده از روش‌های کیفی مانند رفتارنگاری و تحلیل مناظر حسی، بستری برای شناخت عمیق تر این تعاملات فراهم کرده است. این تحقیق بر آن است تا با تکیه بر شواهد و تحلیل‌های علمی، درک بهتری از ارتباط میان ادراک بدنمند و رفتارهای محیطی ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

فضاهای جمعی از مهم‌ترین عناصر ساخت فضایی شهر است. مکان‌هایی که بیشترین کنش‌ها و ارتباطات میان شهروندان در آن روی می‌دهد و بستر اصلی فعالیت‌های کارکردی و مراسمی شهروندان را ایجاد می‌کند (عندلیب، ۱۳۸۹، ۱۸). وجود فضاهای عمومی دارای خصیصه اجتماع پذیری، مکمل

این روابط توسط مکانیسم‌های حسی مربوط به برخی از نظر دهندگان این رویکرد است و برخی دیگر در تحقیقاتی از این دست بر قوانین ذاتی سازمان ادراکی تأکید می‌کنند. کنترل یا ثابت نگه داشتن مجموعه، انگیزه و یادگیری گذشته موضوعات بسیار مهم است. از بین بردن، نوازش و یا استفاده از محرکی که به فرد القا می‌شود، صرفاً چیزی است برای دیدن، شنیدن، خوردن، لمس کردن، بوییدن یا حس کردن تغییرات و پاسخ ادراکی اما حتی زمانی که این ورودی‌ها در نظر گرفته شوند، به طور مشخص جایگاه ثانویه‌ای را کسب می‌کنند، به عنوان مثال در قوانین گروه‌بندی ادراکی ورتایمر (Wertheimer, 2017, 83). مرلوپونتی^۱، پافشاری می‌کند که بدن نخستین وسیله برای دستیابی به جهان است: به عبارتی دیگر، «ما ناچاریم که ابتدا، حتی پیش از آن که فلسفه‌ورزی را آغاز کنیم با واقعیت تجسد یافته مجسم «وضعیت عینی» خود کنار بیاییم». او همچنین توصیف می‌کند که انسان چگونه با اتکا به خزانه مهارت‌های بدنی و الگوهای رفتاری خود که همواره در حال گسترش یافتن است، یاد می‌گیرد که از طریق فرایند جستجو و اکتشاف، با این جهان دست به گریبان شود (احمدی و غیورفر، ۱۴۰۱، ۴۳). رفتار عینی‌ترین و قابل مشاهده‌ترین واکنش انسان نسبت به محیطی است که در آن قرار گرفته است. به طوری که فرد می‌تواند تنها با رفتاری که در محیط نشان می‌دهد و بدون استفاده از «کلام» از ماهیت «رفتار» به عنوان «بزار غیر کلامی» برای صدور پیام و یا ایجاد ارتباط با دیگران استفاده می‌کند. نحوه انجام یک فعالیت را رفتار می‌گویند، رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج، ناشی از ادراک او و معنایی که این تصویر برای او دارد، است (Shahcheraghi & Bendarabad, 2016, 53). الگوی رفتاری افراد در فضاهای شهری محصول ارتباط و تعامل این دو عامل است. عوامل فیزیکی مختلفی از جمله سروصدا، شرایط آب‌وهوایی و فضاهای بسته به طور مداوم بر الگوهای رفتاری انسان تأثیر می‌گذارند. این حرکات و واکنش‌ها «رفتار» نامیده می‌شوند (Altman, 1975).

ما و همکاران (Ma et al., 2023) در مطالعه خود عنوان می‌دارند که مردان طیف وسیع‌تری از مشاهدات دارند، در حالی که زنان زمان بیشتری را صرف نگاه کردن و توجه بیشتر به عناصر نمادین می‌کنند. مسیرها و زمینه‌های جلب توجه تأثیر منفی بر ارزیابی زیبایی‌شناختی صحنه در بین زنان داشتند که حاکی از آن است که تجربه بصری زنان از مناظر بیشتر از مردان تحت تأثیر امنیت و نظم ارائه‌شده توسط فضاهای سبز است. جو و جئون (Jo & Jeon, 2022) مطرح می‌کنند، مهم‌ترین ویژگی‌های فیزیکی صداها که بر ادراک بافت شهری تأثیر می‌گذارد، محتویات طیفی و پس از آن قدرت صدا و تغییرات زمانی است که همگی گرایش‌های مشابهی را در هر محیط بصری ایجاد می‌کند. به طور

کلی، درک عناصر سمعی و بصری، پاسخ به احساسات منفی یا مثبت و آگاهی کلی از بافت شهری، بسته به محیط‌های بصری متفاوت است. ونگ و لی (Wang & Li, 2022) در مطالعه خود عنوان می‌کنند که محرک‌ها تأثیراتی بر بازسازی درک‌شده یوپی‌اس‌ها دارند که بسته به نوع فضا متفاوت است. فضای سبز شهری از نظر پتانسیل ترمیمی ادراکی بالاترین رتبه را دارد و پس از آن فضاهای تجاری، فضاهای ورزشی و فضاهای نمایشگاهی قرار دارند و بیماری همه‌گیر با افزودن ریسک بازدید، اثرات منفی بر کسب تجربه ترمیمی را افزایش داده است. فعلی و همکاران (Feli et al., 2021) اعتقاد دارند که یکی از موارد ضروری در طراحی فضا، بهره‌گیری از سینمورفی است. بنابراین عناصر فیزیکی و شناختی می‌تواند به افزایش کیفیت فضا برای استفاده دانش‌آموزان در مقرهای رفتاری و تعاملاتی آنها به خصوص در فضاهای اشتراکی و اجتماعی کمک کند. ضیا و همکاران (Zia et al., 2019) براساس مطالعات خود اظهار دارند که ویژگی‌های فضایی در ارزیابی رفتار تعاملی با الگوی محیط فیزیکی حائز اهمیت است. براین اساس، ابعاد مدیریتی و اجتماعی از دیگر معیارهای مؤثر این موضوع است. برای جلوگیری از نرخ بالای پلک‌زدن و ازدست‌دادن دقت ردیابی چشم ناشی از خستگی شرکت‌کننده، تعداد نمونه‌های عکس انتخاب‌شده می‌بایست بیشتر باشد. تصویر ایستا با زاویه دید ثابت نمی‌تواند به طور کامل صحنه را در محیط واقعی منعکس کند. همچنین حسین‌زاده دلیر و همکاران (Hosseinzadeh Dalir et al., 2022) معتقد هستند الگوهای جاری رفتار در یک محیط به تنوع فعالیت‌های اجتماعی، کیفیت قرارگاه‌های رفتاری در فضا، هماهنگی کالبد و عملکرد قرارگاه‌های رفتاری و تناسب فعالیت‌ها با ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه بستگی دارد. پاک‌نژاد و همکاران (Paknezhad et al., 2021) اذعان دارند، با توجه به اینکه افراد، علایق و ویژگی‌های شخصیتی متفاوت و متنوعی دارند، نمی‌توان با اطمینان از تأثیر یکسان شاخص‌ها بر رفتار فضایی افراد سخن گفت، از اینکه آیا کسی از سازمان‌دهی و قابلیت‌های موجود در فضا لذت می‌برد یا خیر. تأثیر محیط کالبدی و ساختار فیزیکی بر رفتار فضایی افراد غیرقابل انکار است که میزان تأثیر شکل‌گیری رفتار فضایی افراد به ویژگی‌های درونی و شخصیتی هر فرد، به علاوه حواس پنج‌گانه و تصاویر ذهنی از ساختار محیط بستگی دارد. در مطالعه تفکر و همکاران (Tafakkor et al., 2020) این نتیجه حاصل می‌شود که ساختارهای زمانی، جمعیتی، کالبدی و اجتماعی - رفتاری یک فضا با یکدیگر در ارتباطاند و رفتارهای انجام‌شده در فضا چه مثبت و چه منفی تحت تأثیر این ساختارها جهت‌دهی می‌شوند. سرمدی و همکاران (Sarmadi et al., 2020)، در پژوهش خود ادراک را حاصل از یک محیط حاصل انطباق ادراکات حسی هجده‌گانه و ادراکات عقلی متأثر از این حواس، فرهنگ و آموزه‌های افراد

کنند. با این حال، فضاهای آرام‌تر با صداهای آرام‌بخش و محیط‌های بصری جذاب، اجتماعات اجتماعی و فعالیت‌های جمعی مانند نشستن روی نیمکت‌ها، گپ‌زدن یا ورزش کردن را تشویق می‌کنند (Zheng et al., 2024, 7). شهرها باید به گونه‌ای طراحی شوند که تعاملات حسی انسان‌ها را در نظر بگیرند، نه تنها به جنبه‌های بصری، بلکه به دیگر حواس مثل صدا، بو، لمس و حرکت نیز توجه داشته باشند. برای درک بهتر روابط اجتماعی، فرهنگی و محیطی در فضاهای شهری، باید ابعاد حسی این فضاها را به‌طور جدی‌تری در طراحی‌های شهری لحاظ شود؛ شهری که تجربیات حسی متنوعی را برای ساکنان فراهم می‌آورد و می‌تواند به یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی منجر شود (Zardini, 2016, 144).

• نقش حواس تن در ادراک محیط

ارسطو «ندام حسی» را با قوه حس که در اندام جای دارد یکی می‌داند و به این ترتیب، انتظار می‌رود که اگر فرد واجد عضو مخصوص احساس باشد و مانعی در میان نباشد، احساس و ادراک انجام شود (Sadeh Zadeh Ghamsari, 2009, 36). وی انفعال را دو قسم می‌شمارد و ملاک این تقسیم‌بندی را طبیعت مؤثر و متأثر می‌داند. گاهی این انفعال به صورتی است که فاعل و مؤثر دارای طبیعتی ضد طبیعت متأثر است و گاهی فاعل و مؤثر طبیعتی ضد طبیعت متأثر ندارد و مقصود ارسطو از انفعال، قسم دوم آن است (Mokhtari, 2020, 33). گیبسون^۲ در رویکرد بوم‌شناختی ادراک فرض می‌کند که تمام استفاده‌های بالقوه معانی احتمالی یک شیء به‌طور مستقیم در شعاع دیدگان و یا در ساختار اطلاعات غیربصری و قابل دریافت توسط نظام‌های دیگر ادراکی قابل درک هستند. فرد باید بداند «و در بیشتر موارد می‌آموزد» که به دنبال چه چیز باشد، ادراک معنا مبتنی بر طرح‌واره‌های ذهنی است (Shahcheraghi, 2010, 75). برخی نیز بر جنبه اکولوژی که بخشی از مفهوم طبیعت است تأکید دارند، همچون اشتاینر^۳ که در وصف عینیت از عبارت «جریان‌های اکولوژیک» استفاده و فارینا که با مطرح کردن عبارت «بسترهای زنده و غیرزنده» از منظر به عنوان «ویکردی اکولوژیکی» یاد می‌کند. علاوه بر آن کازگرو، فورمن و ناوه نیز با اشاره به جنبه‌های فرایندی و اکولوژیک، به طبیعت اشاره کرده‌اند (Hemmati & Saboonchi, 2021, 19). شهرسازی بوم‌شناختی منظر سه جهت تحقیقاتی ممکن را پیشنهاد می‌کند: تکامل درک زیبایی‌شناختی، درک عمیق‌تر عامل انسانی در بوم‌شناسی، و یادگیری بازتابی از طریق عمل و تجربه (Steiner, 2011, 334). از نگاه بنتلی و همکاران (Bentley et al., 2015)، اکثر اطلاعاتی که کاربران با آنها سروکار دارند از طریق چشم‌ها به جریان می‌افتند. در همین راستا، بخش وسیعی از دل‌مشغولی‌های طراحی شهری محیط‌های پاسخ‌دهنده، از مباحثات با غنای حسی بینایی پیوند می‌یابد. «غنای حسی صرفاً یک موضوع ناب بصری به شمار نمی‌آید، بلکه حس‌های دیگر بر آن تأثیر می‌گذارد و از الزامات طراحی

حاضر در محیط می‌دانند که بالطبع آنها فهم فضا را در فرد به‌فرد استفاده‌کنندگان تحت الشعاع قرار می‌دهد.

در جمع‌بندی از پیشینه‌های مورد بررسی پژوهش می‌توان این‌گونه بیان کرد که الگوهای رفتاری جاری در یک محیط که به‌صورت ثابت یا مقطعی نمود پیدا می‌کند، بنا به تجربیات هر فرد و نوع خلق معنایی که او از محیط پیرامونی انجام می‌دهد، متفاوت است. این رخداد براساس ویژگی‌های فضایی که محیط پیرامونی به‌عنوان سرخ‌های محیط به دستگاه‌های حسی هر فرد ارسال می‌کند، انجام می‌شود و موجب پذیرش فرد پیرامون حضورپذیری در مقرر رفتاری مورد نظر یا عدم قبول آن توسط شخص شود. این رابطه به‌صورت دوسویه انجام می‌شود و شدت و ضعف رخداد الگوهای رفتاری در قرارگاه، می‌تواند پذیرش و عدم‌پذیرش فرد را از سوی قرارگاه رقم زند. در تجمیع تمامی مباحث مطرح‌شده، دسته‌بندی‌های مختلفی از ابعاد رفتارها و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها بر یا از ظرف کالبدی، استنتاج می‌شود. این ابعاد دارای نتایجی هستند که عواملی از خارج ظرف فیزیکی بروز رفتار بر آنها تأثیر می‌گذارد.

مبانی نظری

• منظر حسی، ریشه ادراک و خلق معنا

زبان منظر، زبان فطری آدمی است؛ انسان‌ها پیش از این کلماتی که برای توصیف اعمال خود داشته باشند؛ منظر را لمس کرده، دیده، شنیده، چشیده و بو و در آن زندگی کرده‌اند. منظر مکان و مردم را به هم پیوند می‌دهد (صالحی‌نیا و نیرومند شیشوان، ۱۳۹۷، ۲۱). اصطلاح «منظر حسی» که توسط پورتئوس (Porteous, 1985) ابداع شد، ایده یک محیط حسی ساخته‌شده را منعکس می‌کند. اگرچه نام این مفهوم دارای تشابه خاصی با اصطلاح چشم‌محور چشم‌انداز است، منظره حسی دامنه تعاملات حسی را با مکانی فراتر از مصرف بصری صرف گسترش می‌دهد (Rodaway, 2002). منظره حسی مقصد براساس اطلاعات دریافتی هر یک از حواس است و از این رو، می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از پنج «منظره» تعریف شود: چشم‌انداز بصری (حس بینایی)، منظره بویایی (حس بویایی)، منظره طعمی (حس چشایی)، منظره صوتی (حس شنوایی) و منظره لمسی (حس لامسه) (Medway, 2015, 191-209). بنابراین می‌توان گفت منظر حسی و میزان به‌کارگیری حواس مختلف انسان یکی از معیارهای کیفی سنجش فضا است. حواس پنج‌گانه - شنوایی، بویایی، بینایی، بویایی و چشایی که برای نخستین بار توسط ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) طبقه‌بندی شدند، در کنار حس زمان، مبنای مناظر حسی را تشکیل می‌دهند (Lotfi & Zamani, 2015, 45). علاوه بر این، مناظر حسی می‌توانند بر سطح تعامل اجتماعی در فضاهای شهری نیز تأثیر بگذارند. در محیط‌های شلوغ و پر سروصدا، افراد تمایل دارند از تعامل طولانی مدت به دلیل اضافه‌بار حسی اجتناب

مفهوم محیط رفتاری این چنین بیان می شود: «محیط رفتاری به بخشی از محیط که متشکل از عناصری است که فرد نسبت به آنها حساسیت نشان می دهد» (Lang, 2009, 73-77). نظریه های شناخت فضایی نشان می دهد که تعامل انسان با فضا شامل یکپارچگی حسی و زمینه فرهنگی است. این با تحقیقاتی مطابقت دارد که نشان می دهد ویژگی های فیزیکی مانند نور طبیعی و چیدمان های فضایی عمیقاً بر حالات عاطفی و عملکردهای شناختی تأثیر می گذارد (Pallasmaa, 2024). کاپلان و کاپلان (Kaplan & Kaplan, 1989)، مدل همخوانی محیط و رفتار را مطرح می کند که بر نحوه ادراک انسان از محیط و تأثیر آن بر رفتار تأکید دارد. این مدل بیان می کند که افراد به فضاهایی گرایش دارند که بتوانند به راحتی آنها را درک، تفسیر و از آنها استفاده کنند. براساس این مدل، محیط هایی که دارای وضوح بصری، پیچیدگی مناسب، انسجام و رمز و راز هستند، جذابیت بیشتری برای کاربران دارند و موجب تعاملات اجتماعی و شکل گیری الگوهای رفتاری مثبت می شوند.

با توجه به اهمیت تعاملات انسانی در فضاهای موسوم به شهری، فضاهای جمعی مفهومی عمیق تر را برای این تعاملات ایجاد می کند و آن تعریف فعالیت های اجتماعی و تعاملات فرد با جمع در کنار تعاملات فرد با فرد است. این موضوع باعث می شود که جبرگرایی محیطی در طراحی فضاها در راستای حذف رفتارهای منفی انجام شود و در جهت بروز رفتارهای مثبت، این امکان گرایی است که جایگزین می شود. حال با تکیه بر تفاسیری که از محیط و بروز گونه های رفتاری مطرح شد، انتخاب یک مقرر برای انجام رفتار در هر طیفی از فعالیت ها نیازمند پذیرش هم از سوی فرد و هم قرارگاه است و این ارتباط دوسویه در تمامی وهله های بروز رفتار نمود بارزی دارد و می توان آن را با عنوان هم ساختی محیط و رفتار یا «سینومورفی» یاد و با تعبیر ارتباط متقابل کالبد و رفتار انسانی، معنا کرد.

• گستره های رفتار در محیط

از دیدگاه دیویی^۴ (۱۹۳۳)؛ یک هدف واقعی همیشه با یک انگیزه شروع می شود و ممانعت از اجرای فوری یک تکانه (مفهوم تکانه به عنوان یک رخداد یا برخورد تعبیر می شود) آن را به یک میل تبدیل می کند. زیرا انگیزه و میل نه به تنهایی بلکه از طریق تعامل یا همکاری با شرایط محیطی عواقبی را ایجاد می کند. انگیزه برای یک عمل ساده مانند راه رفتن تنها در ارتباط فعال با زمینی که فرد روی آن ایستاده است، اجرا می شود. در شرایط عادی اجباری وجود ندارد که توجه زیادی به زمین شود. در یک موقعیت تحریک آمیز باید شرایط با دقت مشاهده شود، مانند بالا رفتن از یک کوه شیب دار و ناهموار که هیچ مسیری در آن وجود ندارد. بنابراین، تمرین مشاهده یکی از شرایط تبدیل انگیزه به هدف است (Dewey, 1986). او روشی را برای پشتیبانی از ساخت دانش در یک تجربه خاص ایجاد کرد؛ مشاهده شرایط، آگاهی

محسوب می شوند که به ترتیب به؛ حس جابه جایی (حرکت)، حس بویایی، حس شنوایی و حس بساویی، اشاره کرد. گیبسون (Gibson, 2014) بر اهمیت مقرون به صرفه بودن درک محیط پیرامونی برای عمل در آن تأکید کرده اند. نحوه درک مردم از امکانات فضاهای شهری (مانند فضاهایی برای پیاده روی، معاشرت یا استراحت) به طور قابل توجهی بر رفتار آنها در این فضاها تأثیر می گذارد. رابطه بین ادراک حسی، تجربه فردی و زمان عمیقاً رفتار را در فضای شهری شکل می دهد. ادراک حسی به عنوان دروازه ای عمل می کند که افراد از طریق آن با محیط خود درگیر می شوند. عناصر بصری مانند طرح های معماری، تابلوها یا نور، ادراکات حرکت و ایمنی را دیکته می کنند، در حالی که محرک های شنیداری، مانند صدای محیط یا موسیقی، بر خلق و خو و درگیری فضایی تأثیر می گذارند. بوها و بافت ها بیشتر واکنش های احساسی و فیزیکی را برمی انگیزند و مشارکت در فضا را تقویت یا بازدارنده می کنند.

• رفتار محیطی و محیط رفتاری

رفتار انسانی برابندی از انگیزه ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج ناشی از ادراک او و معنایی که این تصویر برای او دارد، است. بنابراین هر فعالیت تحت تأثیر شرایط فوق می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. به عنوان مثال روی نیمکت نشستن، چمباتمه زدن، لم دادن رفتارهای مرتبط با فعالیت نشستن هستند. رفتار منتج از برداشتها و دیدگاه های فرد از محیط اجتماعی و مصنوع است (Khatibi, 2013, 69). فرهنگ، الگوهای رفتاری را به وجود می آورند و سپس الگوهای رفتاری تعیین کننده و بیان کننده چگونگی استفاده مردم از فضاها می شوند. به طور کلی می توان این گونه بیان کرد که محیط و فرهنگ دو عامل اساسی شکل دهنده به رفتار انسان ها بوده که از زوایای مختلفی بررسی شده اند (Paknezhad & Latifi, 2019, 53). رفتارها به تبعیت از محیط دارای نظم و الگوی آشکار هستند. به علاوه رفتارها متأثر از نیروهای درونی فرد و عمدتاً نیروهای بیرونی محیط شکل می گیرند و قابل تفسیر هستند. درواقع، رفتار نوعی یادگیری و کنش فعالانه از سوی انسان نسبت به شرایط محیطی و اقدام او برای تغییر محیط یا رفتار خود برای رفع نیازها و حفظ بقاست (Tafakkor et al., 2020). مابین محیط کالبدی و رفتارهای مشاهده شده ساکنین محل، عواملی چون هنجارهای فرهنگی و همچنین نظامی اجتماعی واسطه است به گونه ای که بخش های مختلف محیط کالبدی از طریق این هنجارها توصیف می شوند و مردم به کمک این ساخت است که از محیط مسکونی خود به گونه ای روزمره استفاده می شوند و با آن ارتباط برقرار می کنند (Motalebi, 2022, 60). با توجه به این که هر یک از افراد متناسب با ویژگی های شخصیتی شان می توانند نسبت به موارد چهارگانه ذکر شده، حساسیت بیشتر یا کمتری داشته باشند،

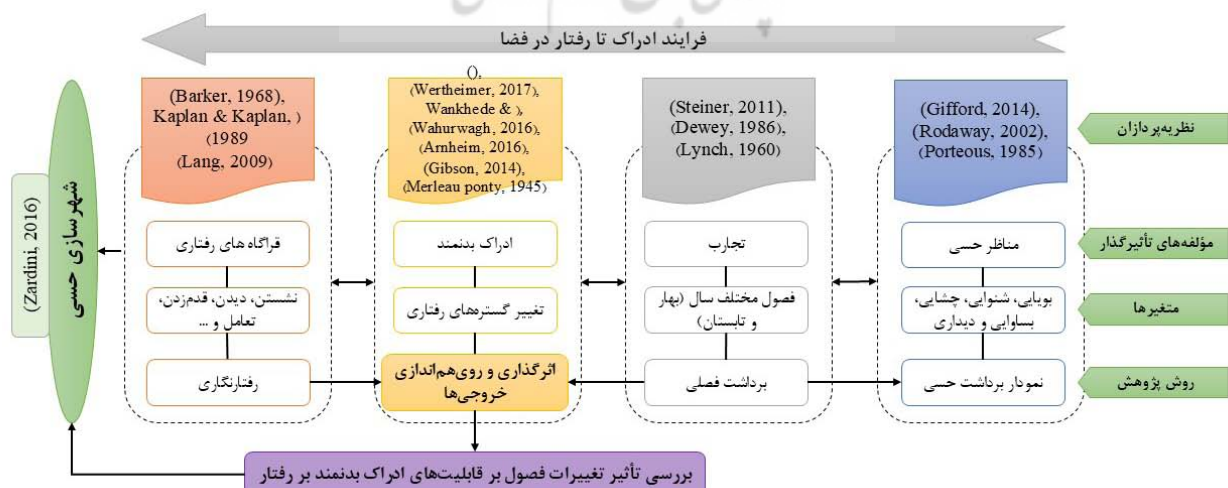
نظری پژوهش را نشان می‌دهد و عیان می‌سازد که تفکرات مطرح‌شده چگونه در قالب یک نمودار می‌تواند تبلور یابد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش و در راستای ارائه پاسخی جامع به سؤال تحقیق، انتخاب روش پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و همچنین بررسی‌های میدانی قرارگاه‌ها رفتاری فضاها هدف بسیار حائز اهمیت است. لذا برای تحقق این هدف، از دو روش مطالعات رفتاری ذیل مردم‌نگاری در ترکیب با دیگرام‌های حسی استفاده شده است. کوپرمارکوس و فرانسیس^۶ رفتارنگاری، تکنیک‌های ارزیابی پس از حضور در فضا را نیز در بر می‌گرفت (بازطراحی)، روش‌هایی که بر رویکردهای سیستماتیک و واقعیت‌های عملکردی فضا و نه مسائل زیبایی‌شناسی آن تأکید داشت. آنها با این موضوع که مسائل زیبایی‌شناسی بر نحوه استفاده و میزان لذت‌بردن از فضا تأثیر خواهد گذاشت، موافق بودند اما معتقد بودند که منتقدان زیبایی‌شناسی تنها فرم را در نظر می‌گیرند، حال آنکه روش رفتارنگاری، شیوه‌ای از ارزیابی است که تعامل میان مردم و فرم محیط را در نظر می‌گیرد (Mansournia et al., 2016, 78). رفتارنگاری را به دو گونه می‌توان بازشناسی کرد؛ ۱) رفتارنگاری ایستگاهی و ۲) رفتارنگاری حرکتی (Gehl & Svarre, 2013). برای انجام مطالعات رفتاری و تهیه نقشه‌های رفتاری، از ابزار تصویربرداری و فیلم‌برداری استفاده شده است. بازه‌های زمانی فیلم بردای ۱۰ دقیقه‌ای که دو فریم از هر فیلم را بررسی و بازه‌های تصویربرداری ۴۰ دقیقه‌ای برای تحلیل دو فریم و در پنج بازه زمانی برای فیلم‌برداری و تصویربرداری انتخاب کرده است. این مطالعات بدون تفکیک‌های جنسیتی و سنی و مشاهدات رفتارهای انجام‌شده (مورد نظر پژوهشگر) در فضا را بررسی کرده است تا بتواند در ظرف کالبدی مورد نظر، فعالیت‌ها و رفتارهای

از آنچه در گذشته در موقعیت‌های مشابه اتفاق افتاده است و قضاوت را در مورد آنچه مشاهده می‌کند، جمع می‌کند تا ببیند دلالت آنها چیست (Pour Shafei et al., 2021, 3 & 4). رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج ناشی از ادراک او و معنایی که این تصویر برای او دارد، می‌باشد. بنابراین هر فعالیت تحت تأثیر شرایط فوق می‌تواند اشکال مختلفی به‌خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. به‌عنوان مثال روی نیمکت نشستن، چمباتمه زدن، لم دادن رفتارهای مرتبط با فعالیت نشستن هستند. رفتار منتج از برداشت‌ها و دیدگاه‌های فرد از محیط اجتماعی و مصنوع است. مطابق با نظر گل^۵ فعالیت‌های مردم را در فضاها می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد که هر یک به ویژگی‌های متفاوتی در محیط کالبدی نیاز دارند: فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی (Khatibi, 2013, 66). بر همین اساس نیز، می‌توان مطرح کرد که رفتارها و گستره‌های فعالیتی در یک فضا، تابعی است از ادراک باشندگان در آن محیط. این ادراک تابعی است از خصوصیات درونی هر فرد (مانند آموزه‌ها، دین، سنت، تربیت خانواده، سواد، تجربیات و ...) و مؤلفه‌های بیرونی مؤثر بر ادراک فردی یا حتی جمعی حاصل از منظر محیط رفتاری. بر همین اساس رفتارهای مورد بررسی در پژوهش در دسته‌بندی؛ تعاملات کوتاه‌مدت و بلندمدت، رفتارهای لحظه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی، ناسازگاری‌ها و کج‌رفتاری‌ها، روتین‌های رفتاری مانند قدم‌زدن و رفتارهای فردی مانند توجه و تماشاء، تفکیک شده‌اند.

در تلفیق تمامی عناوین مطرح‌شده می‌توان بیان کرد که در جهت رسیدن به یک اشتراک فکری و نظری میان تمامی مطالب مطرح‌شده، این پژوهش شکاف مطالعات انجام‌شده را در نظر گرفته و با پیوند نقاط مشترک نظریه‌ها، درصدد تحقق هدف کلی پژوهش بوده است. جهت تسهیل این فرایند، تصویر ۱ چارچوب



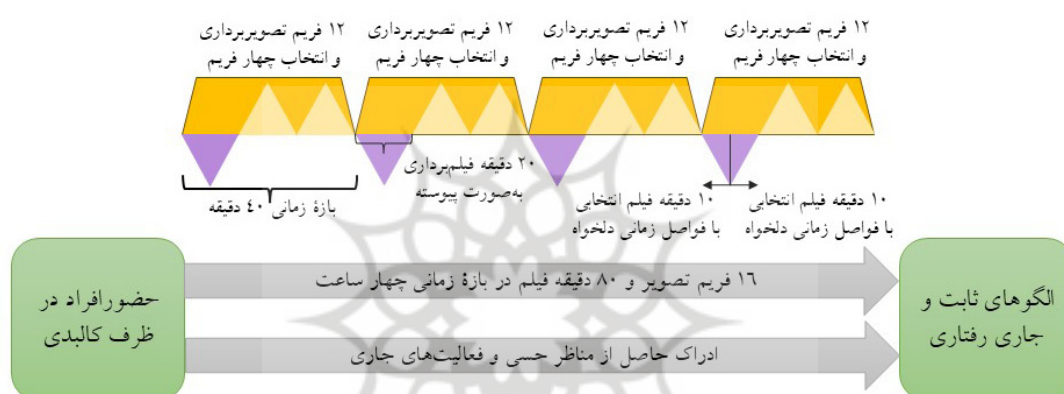
تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش برپایه ارتباطات فکری نظریه‌پردازان حوزه ادراک و رفتار. مأخذ: نگارندگان.

موقعیت قرارگیری آن را در **تصویر ۳** می‌توان مشاهده کرد. این محله به دلیل قرارگرفتن در دامنه کوه‌های شمالی تهران، از محل‌های مناسب برای کوه‌پیمایی در تهران به‌شمار می‌رود. موقعیت دره کوهستانی در که در شمال غربی تهران و روی مخروط افکنه رودخانه در که مشرف به حصارک و از جنوب به اوین و سعادت‌آباد و از شمال به ارتفاعات توچال و شاه‌نشین محدود است. از نظر ارتفاعی بین حداقل ۱۵۹۰ متر در جنوبی‌ترین نقطه و حداکثر ۳۹۴۴ متر توچال و طول دره قریب شش کیلومتر است. برای توصیف علت انتخاب نمونه مورد مطالعه می‌بایست این گونه بیان کرد که وجود مناظر مختلف حسی به واسطه موقعیت جغرافیایی، نمونه مورد مطالعه منطبق با اهداف پژوهش است.

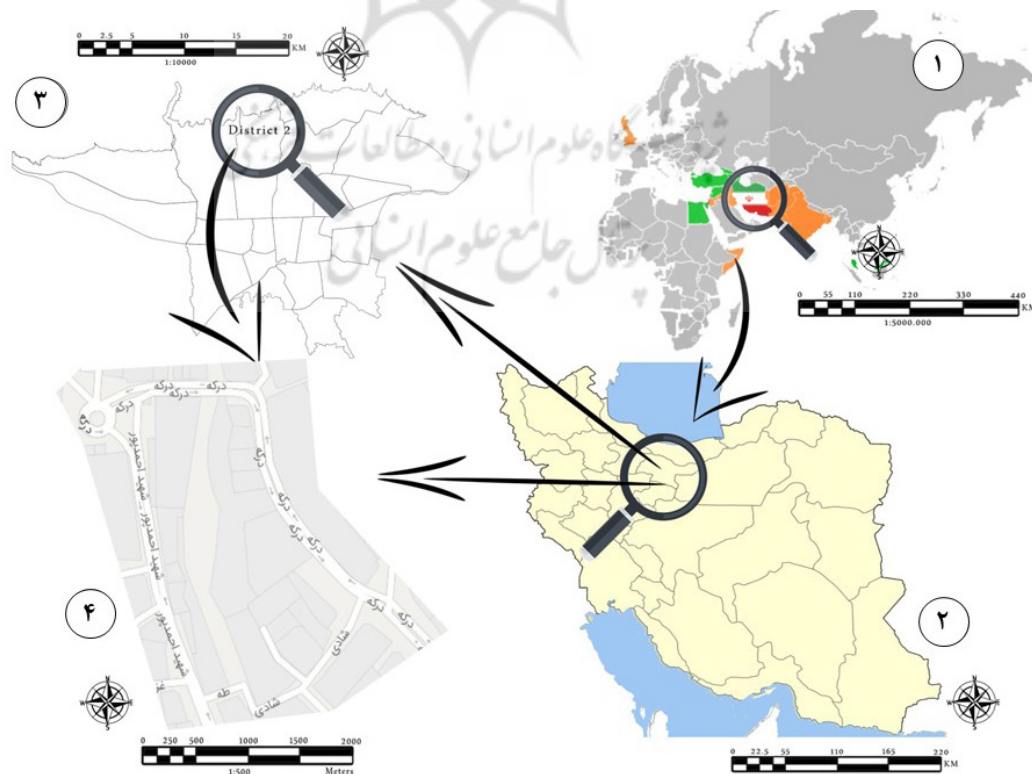
مختلف را دسته‌بندی کند که در **تصویر ۲**، به صورت کامل فرایند انجام این فرایند نشان داده شده است. در تکنیک حس گردی، با توجه به تغییر مناظر حسی و حتی نوع الگوهای رفتاری ثابت در فضا، نقاطی که برای تکمیل دیگرام‌ها حسی در نظر گرفته شده، بنا به وسعت فضا متفاوت بوده، اما از نظر فواصل، سعی بر آن شده است که حوزه تأثیرگذاری مناظر حسی، به صورت مساوی و مؤثر انتخاب شود.

نمونه موردی

در که یکی از محله‌های شمال شهر تهران است که در نزدیکی محله‌های اوین و ولنجک و در غرب شمیران قرار دارد که به خوبی



تصویر ۲. روش مطالعات رفتاری در بازه‌های زمانی مشخص. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. موقعیت قرارگیری در که در شهر تهران. مأخذ: نگارندگان.

نمونه موردی این پژوهش، فضای شهری است که علاوه بر داشتن کارکرد مهم از لحاظ اقتصادی و اجتماعی از نظر وجود تنوع مناظر حسی نیز بسیار حائز اهمیت است. تغییرات رفتارهای به واسطه تغییرات فصول مختلف چه از نظر رفتارهای ایستا و چه پویا، واقعیتی قطعی و بدون شک است. تغییرات رفتاری انجام شده در طیفهای مختلف رفتاری (چه در جهات مثبت و چه بروز ناهنجاریها که در جهت منفی رخ می دهد) میان باشندگان، ارتباط مستقیمی با تغییرات مناظر حسی فضاهای مذکور دارد و می تواند قرارگاههای مختلف را براساس گستره های گوناگون فعالیتی ساماندهی کند. در تصویر ۵، طیفهای رفتاری فضای مورد مطالعه در فصول بهار و تابستان، براساس برداشت های میدانی انجام شده که پیش تر روش آن بررسی شد، تصویرسازی شده است و در تصاویر ۶ و ۷ تفکیک این رفتارها را در فصول مختلف می توان مشاهده کرد.

برای فهم دقیق تر نقشه های مطالعات رفتاری، علاوه بر دسته بندی رفتارها به سازگار و ناهنجاریها، میزان تکرار آنها در فضا نیز حائز اهمیت است. این مهم نشان دهنده ارتباطات رفتاری چه جمعی و چه فردی با مقوله مناظر حسی و تأثیرات آن بر تقویت یا ضعف گستره های رفتاری در مقرر دارد. برای درک عمیق تر این چرخه، ابتدا نیاز است که تعداد بروز هر رفتار در فضا را مطابق جدول ۱ تشریح کرد.

• یادداشت برداری حسی

تغییرات در رخداد الگوهای متغیر رفتاری، به طور قطع وابستگی بسیاری به ادراک فرد نسبت به محیط پیرامونی خود دارد. مناظر حسی تشکیل دهنده محیط، به عنوان فرستنده پیامی

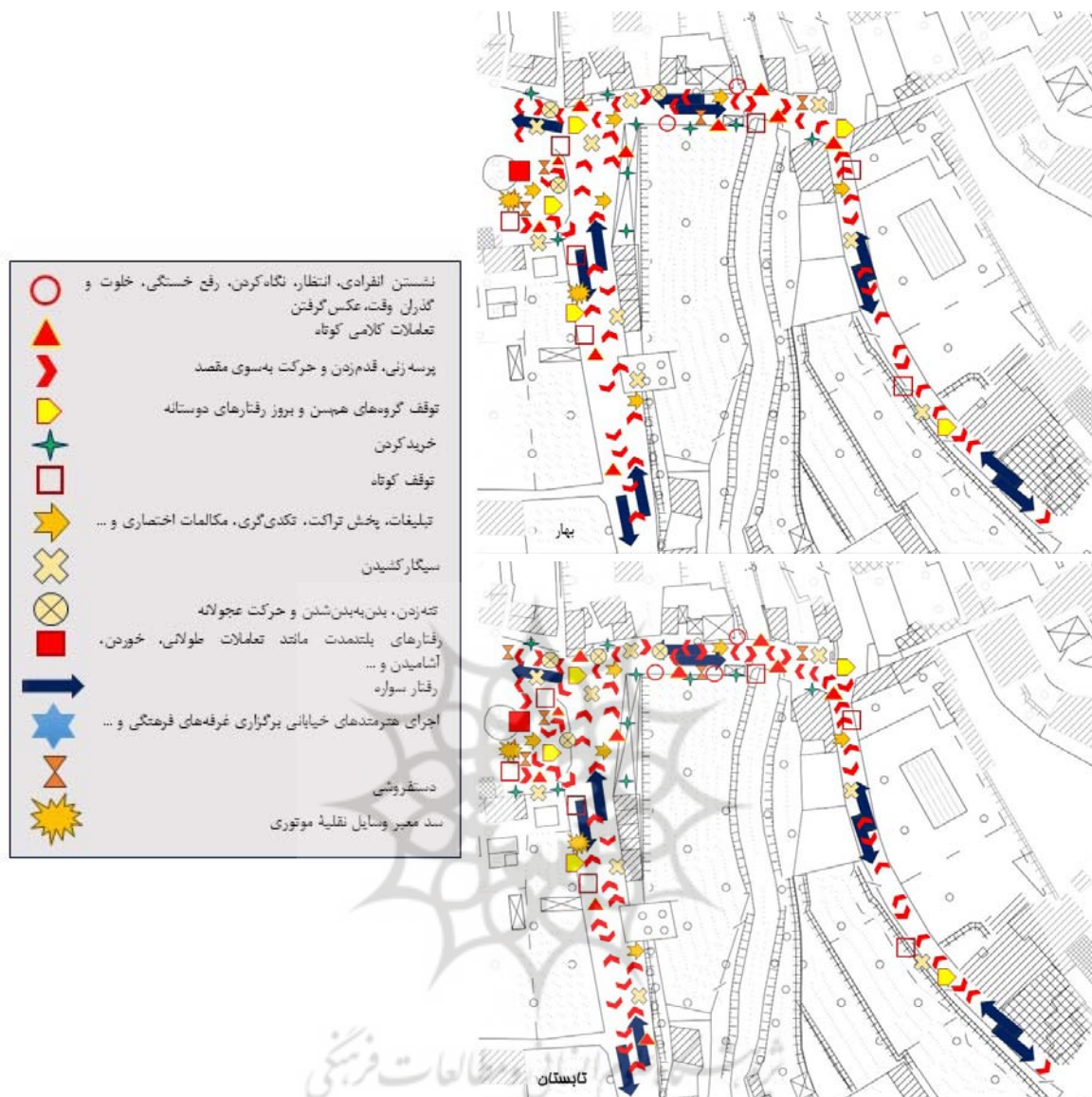
حوزه سبز انبوه و لبه آب این محله موجب شده است که هم از نظر منظر بصری و همچنین منظر بساواپی، نسبت به موارد هم سنگ تمایز داشته باشد. از سوی دیگر، وجود رستورانها، کافه ها و گاری های فروش اغذیه، از باب منظر بویایی و چشایی موجب اغنای حواس کاربران نسبت به سایر فضاهایی است که تنها تکیه آنها بر منظر بصری است. در آخر می توان به وجود صداهای کلیدی و زمینه ای مداوم فضا اشاره کرد که منظر صورتی را در این محدوده، منحصر به فرد کرده است.

یافته های پژوهش

• مطالعات رفتاری و حسی فضاهای جمعی باغ فردوس و درکه با توجه به این موضوع که تفاوتها رفتاری عمدتاً در مقرهای مشخصی حاصل می شود که بیشترین اغنای حسی در تغییرات مناظر حسی رخ می دهد، برای تشخیص صحیح این تغییرات نیازمند بخش بندی مقرهای رفتاری مختلف به عنوان نقاط ارزیابی رفتارها و حواس به واسطه دیگرام است. در تصویر ۴، به بررسی الگوهای رفتاری، یادداشت برداری حسی و تولید دیگرامها براساس نقاطی که سعی شده است در فواصل مختلف و بر طبق تغییرات گستره های رفتاری و مناظر حسی انتخاب شود، پرداخته شده است. همان گونه که بدیهی است، فضاهای شهری دارای تنوع از لحاظ طراحی، ماهیت و انتظارات هستند. خیابانها و محورهای پیاده نیز یکی از فضاهای شهری است که با تکیه بر مکان قرارگیری، نوع بافت، تاریخچه و کارکردهای موجود در آن، رفتارهایی نشأت گرفته از مؤلفه های مذکور انجام می شود، خواه همسو با اهداف طراحی آن باشد و خواه نباشد. فضای منتخب شهر تهران (درکه) به عنوان



تصویر ۴. نقاط برداشت حسی فضای درکه براساس نظام حرکتی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. رخداد رفتارها فصل بهار و تابستان در فضای جمعی درکه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. قرارگاه‌های رفتاری فصل تابستان در فضای درکه. مأخذ: آرشو نگارندگان.



تصویر ۶. قرارگاه‌های رفتاری فصل بهار در فضا درکه. مأخذ: آرشو نگارندگان.

تعیین رفتار مهم‌تر از فرد است. به این معنا که قرارگاه رفتاری بسترطیفی از رفتارها که ممکن است رخ بدهند را تعیین می‌کند. از نظر او هر قرارگاه رفتاری محرک‌های قابل تشخیصی وجود دارند که شامل جنبه‌های کالبدی و اجتماعی هستند. از این رو می‌توان با تغییر اشیاء موجود در یک قرارگاه رفتاری باعث تغییر رفتار در آن شد (Emamgholi et al., 2012, 30). جان لنگ (Lang, 2009) در تأیید نظریه قرارگاه‌های رفتاری و همسو با تفکر بارکر قرارگاه‌های رفتاری را چنین تعریف می‌کند: قرارگاه‌های یا مکان رفتاری ترکیبی پایدار از فعالیت و مکان در نظر گرفته شده که شامل اجزای زیر است: فعالیتی بازگشت‌کننده و قابل تکرار یا الگوی جاری رفتار، طرح خاصی از محیط یا محیط

را ارسال می‌کنند که گیرنده را ترغیب به انجام فعالیت‌ها و طیف‌های مختلف رفتاری می‌کند. به همین سبب نیاز است که برای تشخیص تأثیرات اغنای حس افراد در بروز رفتارهای آنها، وضعیت مناظر حسی که بن‌مایه خلق معنا و درک مفاهیم از فضا را تشکیل می‌دهند، را بررسی کرد. با توجه به تأکیدات پیشین درخصوص ادراک بدنمند و مدنظر قراردادن فلسفه پدیدارشناسانه مرلوپونتی، در تصویر ۸، دیاگرام‌ها حسی مربوط به نقاط مذکور در فصول بهار و تابستان قابل مشاهده است.

بحث

از نظر بارکر؛ محیط به وجودآورنده قرارگاه‌های رفتاری است و در

جدول ۱. تفکیک رخداد رفتارها در مقرهای رفتاری فضای جمعی در که در فصول بهار و تابستان. مأخذ: نگارندگان با استفاده از Tafakkor et al., 2020؛ Khatibi, 2013؛ Gehl, 1987.

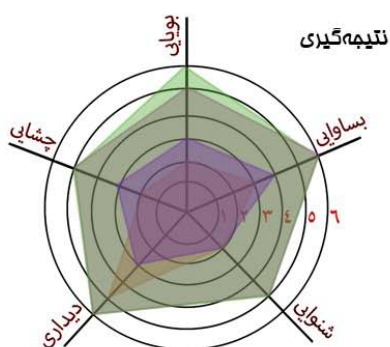
زمان و محیط مشاهدات		الگوهای جاری رفتاری (ثابت و متغیر)							
فصل	محیط کالبدی مقرهای رفتاری	مقطع زمانی مشاهده	تعاملات فردی با غریبه‌ها	تعاملات دوستانه، گپ‌های کوتاه، شوخی، انتظار و...	انجام اعمال برای جلب توجه، توجه و نمایش کردن	قدم زدن، حرکت‌های بی هدف و ایستادن‌های کوتاه	پایه کردن و توقف‌های طولانی مدت	رفتارهای ناسازگار جمعی یا فردی	رفتارهای لحظه‌ای مانند عکس گرفتن، پناه بردن به سایلن، آواز خواندن و...
بهار	A-AB	مشاهده اول	۱	۰	۱	۱۷	۰	۶	۲
	B-BC		۱۲	۶	۱۱	۲۰	۴	۱۲	
	C-CD		۲۶	۱۰	۱۷	۴۰	۹	۲۰	
	مقصد - D		۸	۲	۶	۲۶	۶	۱۸	
	A-AB	مشاهده دوم	۵	۱	۰	۲۶	۰	۹	۰
	B-BC		۱۸	۸	۵	۳۹	۲	۱۰	۹
	C-CD		۳۷	۱۰	۱۴	۴۳	۱۲	۱۵	۴
	مقصد - D		۱۲	۴	۶	۲۲	۵	۶	۰
	A-AB	مشاهده سوم	۲	۳	۱	۲۷	۱	۱۱	۰
	B-BC		۲۶	۸	۹	۳۶	۲	۸	۱۲
	C-CD		۳۲	۱۶	۹	۳۱	۶	۱۸	۴
	مقصد - D		۶	۴	۷	۴۲	۲	۸	۲
A-AB	مشاهده چهارم	۶	۲	۵	۱۹	۱	۱۶	۰	
B-BC		۱۴	۱۰	۱۴	۲۵	۴	۱۴	۷	
C-CD		۲۹	۱۳	۲۰	۴۶	۱۱	۲۹	۵	
مقصد - D		۱۱	۲	۴	۳۸	۳	۱۳	۴	
میانگین مشاهدات		A-AB	۳/۵	۱/۵	۱/۷۵	۲۲/۲۵	۰/۵	۱۰/۵	۰/۵
		B-BC	۱۷/۵	۸	۹/۷۵	۳۰	۳	۱۱	۸/۲۵
		C-CD	۳۱	۱۲/۲۵	۱۵	۴۰	۹/۵	۲/۵	۴/۲۵
		مقصد - D	۹/۲۵	۳	۵/۷۵	۳۲	۴	۱۱/۲۵	۱/۷۵
		جمع کل رخداد رفتاری	۲۴۵	۹۹	۱۲۹	۴۹۷	۶۸	۲۱۳	۵۹

ادامه جدول ۱.

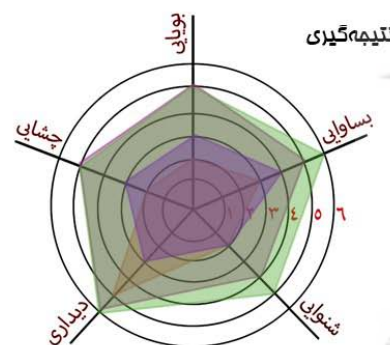
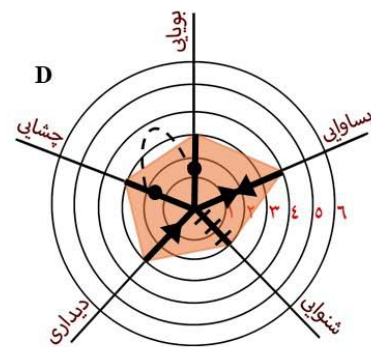
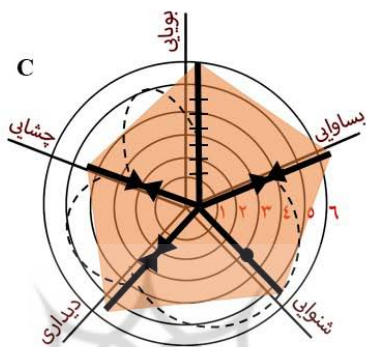
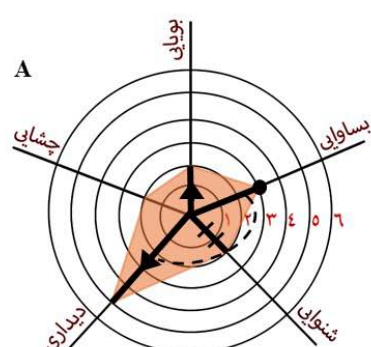
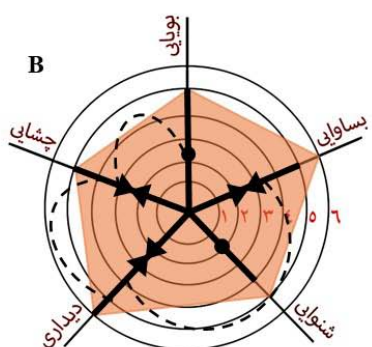
الگوهای جاری رفتاری (ثابت و متغیر)										زمان و محیط مشاهدات	
فصل	محیط کالبدی مفرهای رفتاری	مقطع زمانی مشاهده	تعاملات فردی با غریبه‌ها	تعاملات دوستانه، گپ‌های کوتاه، شوخی، انتظار و...	انجام اعمال برای جلب توجه، توجیه و تماشا کردن	قدردن، حرکت‌های بی‌هدف و ایستادن‌های کوتاه	پلوت کردن و توقف‌های طولانی مدت	رفتارهای ناسازگار جمعی یا فردی	رفتارهای اجتماعی مانند عکس گرفتن، پناه‌بردن به سایبان، آواز خواندن و...	تابستان	
مشاهده اول	A-AB	اول	۴	۲	۴	۲۱	۱	۸	۳		
	B-BC		۲۰	۱۹	۱۹	۳۱	۱۳	۱۸	۱۰		
	C-CD		۳۱	۲۵	۲۲	۵۱	۱۵	۱۶	۷		
	مقصد - D		۱۱	۹	۵	۴۰	۱۱	۲۰	۳		
مشاهده دوم	A-AB	دوم	۸	۱۱	۲	۱۴	۱	۵	۱		
	B-BC		۱۳	۲۲	۱۴	۳۱	۶	۷	۶		
	C-CD		۳۲	۱۲	۱۱	۳۹	۱۹	۹	۹		
	مقصد - D		۸	۱۱	۱۳	۳۱	۷	۲	۰		
مشاهده سوم	A-AB	سوم	۱۰	۱۵	۶	۱۹	۰	۵	۱		
	B-BC		۱۴	۲۱	۱۲	۴۴	۸	۱۳	۱۵		
	C-CD		۲۱	۳۱	۶	۲۲	۱۵	۱۰	۷		
	مقصد - D		۱۱	۱۱	۲	۲۸	۱	۱۰	۰		
مشاهده چهارم	A-AB	چهارم	۳	۸	۱	۲۷	۰	۱۰	۱		
	B-BC		۱۷	۲۹	۱۰	۴۸	۱۲	۲۱	۲۰		
	C-CD		۱۴	۲۸	۳۲	۵۵	۲۴	۱۷	۱۹		
	مقصد - D		۱۵	۱۳	۹	۴۰	۷	۴	۲		
A-AB	۶/۲۵	۹	۳	۲۰/۲۵	۰/۵	۷	۱/۵	میانگین مشاهدات			
B-BC	۱۶	۲۲/۷۵	۱۳/۷۵	۳۸/۵	۹/۷۵	۱۴/۷۵	۱۲/۷۵				
C-CD	۲۴/۵	۲۴	۱۷/۷۵	۴۱/۷۵	۱۸/۲۵	۱۳	۱۰/۵				
مقصد - D	۱۱/۲۵	۱۱	۷/۲۵	۳۲/۲۵	۶/۵	۹	۱/۲۵				
جمع کل رخداد رفتاری			۲۳۲	۲۶۷	۱۶۷	۵۳۱	۱۴۰	۱۷۵	۱۰۴		

گرفته می‌شوند و هر یک از مناظر حسی خاص خود بهره می‌برند و تغییراتی در القای پیام‌های فعالیتی - کالبدی به هر فرد انجام می‌دهند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که فصول بهار و تابستان، علی‌رغم وجود گروه‌های هدف مشابه از حضورپذیران، بروز گونه‌های متفاوت رفتاری در فضا به‌واسطه تغییرات حسی در ادراک باشندگان مشهود است. در تصویر ۹، روی هم‌اندازی نمودارهای تعدد رخداد رفتاری در هر قرارگاه و شدت تحریک حواس در آن مقرر قابل مشاهده است که می‌تواند تحریک هر رفتار به‌واسطه حس یا حواس مورد برداشت را تشریح کند. نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین هم‌راستا است و نشان می‌دهد که بویایی و بینایی از عوامل کلیدی در تعاملات اجتماعی

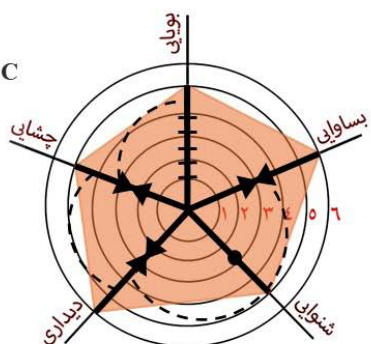
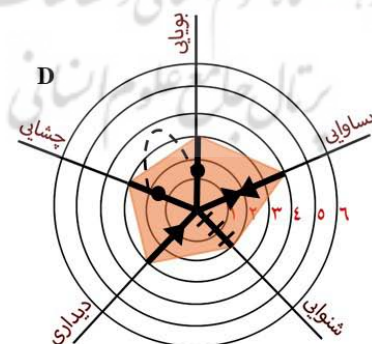
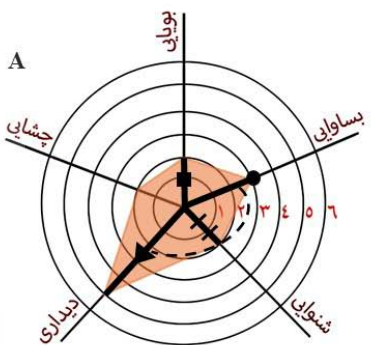
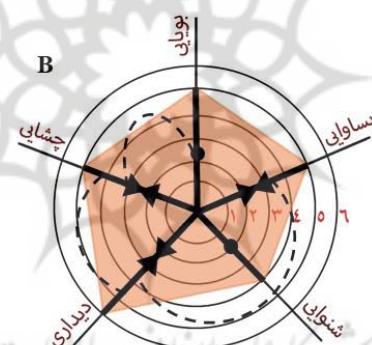
کالبدی، رابطه‌ای سازگار بین این دو و یا هم‌ساختی، دوره زمانی خاص. در تفکر میلیگان (Milligan, 1998, 2003)، مشارکت فعال افراد با یک مکان، معانی مشترکی را ایجاد می‌کند. این معانی در یک مکان لایه‌بندی می‌شوند و در همان عمل تفسیر این معانی است که هویت مکان و دلبستگی مکانی پدیدار و با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شود. با ایجاد پیوندهای محکم بین حواس و معانی مکان‌های شهری، موارد زیر اجتماعی‌شدن‌های مکانی و تجربیات حسی را نشان می‌دهد که از طریق مناظر شهری، مناظر صوتی، مناظر بو، مناظر صوتی، و مناظر لمسی رخ می‌دهد. در پژوهش انجام‌شده، فضای جمعی مد نظر، به خرد فضاهایی تفکیک می‌شود که به‌عنوان قرارگاه‌های رفتاری در نظر



بهار



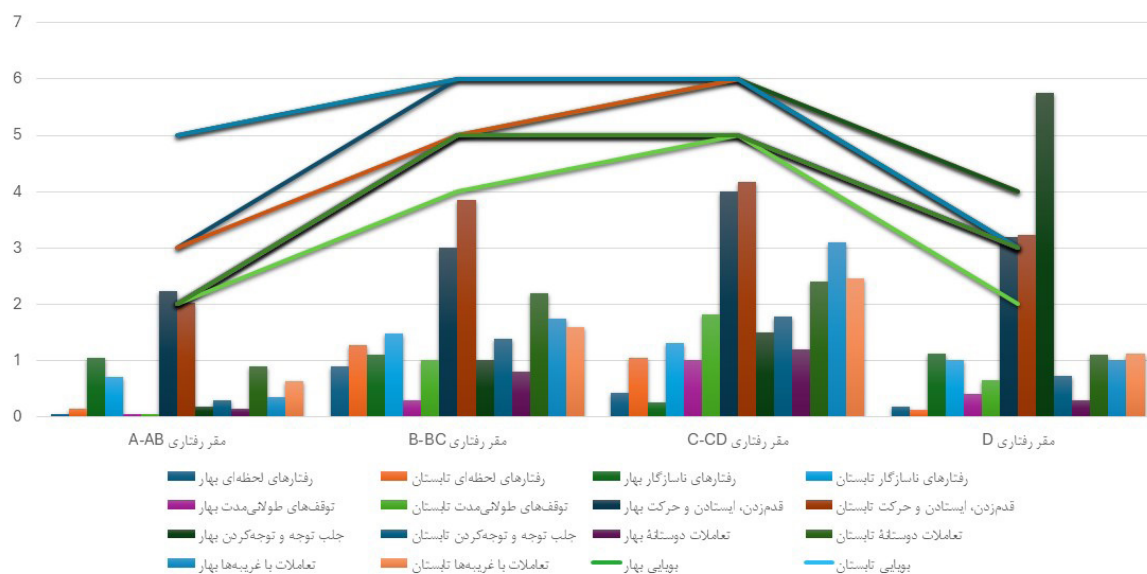
تابستان



تصویر ۸. دیاگرام‌های حسی نقاط مشخص شده در فصل بهار و تابستان فضای جمعی باغ در که. مأخذ: نگارندگان.

به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۴ نشان داد که بوی عطرها می‌تواند باعث افزایش تعاملات اجتماعی و بروز احساسات مثبت در افراد شود. در تأیید این مسئله نیز می‌توان در نمودار مشاهده کرد که تأثیر حس بویایی عمده‌تر بر گستره رفتارهای دوستانه و تعاملات آنها، بوده است (۲) تأثیر حس بینایی بر تعاملات اجتماعی: در

رفتارهای انسانی است. برای مقایسه یافته‌های مرتبط با تأثیر مناظر حسی بر رفتار که در تصویر ۹ به‌صورت نمودار مطرح شده است، می‌توان مطرح کرد که (۱) تأثیر حس بویایی بر رفتار استفاده‌کنندگان فضا: تحقیقات متعددی در حوزه تأثیرگذاری حس بویایی بر رفتار انجام شده است که می‌توان بر آن تمرکز کرد.



تصویر ۹. تأثیر مناظر حسی بر برونداد رفتاری هر قرارگاه. مأخذ: نگارندگان.

C و D بیشتر قابل مشاهده است (۲) رفتارهای ناسازگار: به‌طور کلی، این رفتارها در تابستان و عمدتاً تحت تأثیر منظر بویایی قرار می‌گیرد (۳) قدم‌زدن و ایستادن: در بهار، این رفتارها با تمرکز بر حسی بینایی در نقاط C و D ظاهر می‌شود اما در تابستان، مناظر بویایی و بساوی تأثیر بیشتری را در قرارگاه‌های رفتاری ایفا می‌کنند (۴) توقف طولانی مدت: در فصل بهار، مناظر بویایی و بینایی در نقاط B و C بیشتر موجب بروز این رفتارها می‌شود و در تابستان نیز کماکان منظر بویایی قوی‌ترین منظر حسی مؤثر بر رخداد این گستره رفتاری است (۵) تعاملات دوستانه: تعاملات دوستانه نیز در نقاط A و C تحت تأثیر مناظر بویایی قرار دارد. البته لازم به ذکر است که حس چشایی به‌عنوان حسی مکمل برای بویایی، در اینجا بسیار تأثیرگذار است (۶) تعاملات فردبه‌فرد با غریبه‌ها: این تعاملات در تابستان و با تمرکز بر مناظر بساوی و بویایی و عمده آنها در مفرهای رفتاری B و C انجام شده است (۷) جلب توجه کردن: در بهار، مناظر بصری و بویایی است که بر نقاط C و D تأثیرات قابل ملاحظه‌ای را می‌گذارند و این امر را در تابستان مناظر بویایی نقش آفرینی می‌کنند که در تجمیع تمامی نتیجه‌گیری‌های انجام‌شده از شدت تأثیر مناظر در فصول مختلف در مفرهای رفتاری گوناگون می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به‌طور خلاصه، حواس بویایی و بینایی به‌عنوان عوامل کلیدی در فصول مختلف و نقاط متفاوت رفتاری هستند.

در بخش سوم از تفسیر تصویر ۹، برطبق فصل‌ها و تغییرات مناظر بصری در دو فصل بهار و تابستان که پیمایش‌های میدانی در آنها انجام شد، این‌گونه استنتاج می‌شود که (۱) فصل بهار: منظر بویایی در قرارگاه‌های رفتاری B و C عمده تأثیرات را ایفا می‌کنند، این درحالی است که مناظر بصری عمدتاً در نقاط A و

پژوهش‌هایی که بر تأثیر احساسات بصری بر رفتارهای اجتماعی متمرکز شده‌اند، مبرهن است که محیط‌های بصری جذاب می‌توانند احساسات مثبت و افزایش تعاملات اجتماعی را تقویت کنند. یافته‌های این پژوهش نیز بر این مسئله تأکید دارند که حس بینایی در رفتارهایی همچون قدم‌زدن، ایستادن و تماشا کردن، نقش بسزایی ایفا می‌کند (۳) نقش فصول و تغییرات محیط: تغییرات فصلی می‌تواند بر تجربیات حسی و در نتیجه رفتارهای اجتماعی تأثیر گذارد؛ به‌عنوان مثال، در بهار، افراد به‌طور معمول بیشتر تعاملات اجتماعی در فضا نمود پیدا می‌کند که ماحصل برداشت‌ها نیز به این نکته اشاره دارد که رفتارهای لحظه‌ای و تعاملات دوستانه در بهار، نقش بیشتری را میان سایر گستره‌های رفتاری ایفا می‌کند (۴) تأثیر بساوی بر تعاملات اجتماعی: برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حس بساوی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر درک محیط و تعاملات اجتماعی داشته باشد. الیزابت گروس (Grosz, 1995) استدلال می‌کند که بدن‌ها در فضای شهری متقابلاً تأثیر گذارند. بدن سازمانی است انضمامی، مادی، جاندار از گوشت، اندام‌ها، اعصاب و ساختار ماهیچه‌ای و اسکلتی که تنها از طریق آموزه‌های اجتماعی به‌عنوان یک کلیت منسجم و یکپارچه عمل می‌کند. در این پژوهش نیز افزایش حس بساوی و تأثیر آن در تعاملات اجتماعی به‌خصوص در فصل تابستان و تغییر مناظر بساوی در فضای در که و همچنین افزایش تردد و حضورپذیری در فضا به‌طور کامل مشهود است.

بر همین اساس، برآیند دو نمودار از جنبه تحلیل تأثیر مناظر حسی بر رفتارها به تفکیک گستره‌های رفتاری، به شرح ذیل قابل بسط و تفسیر است؛ (۱) رفتارهای لحظه‌ای: در فصل بهار، این رفتارها بیشتر تحت تأثیر حس بویایی است که میان نقاط

حسی دارد که این امر به جز استفاده از نظرات کاربران و مشاهدات بلندمدت در ادوار مختلف امکان پذیر نیست.

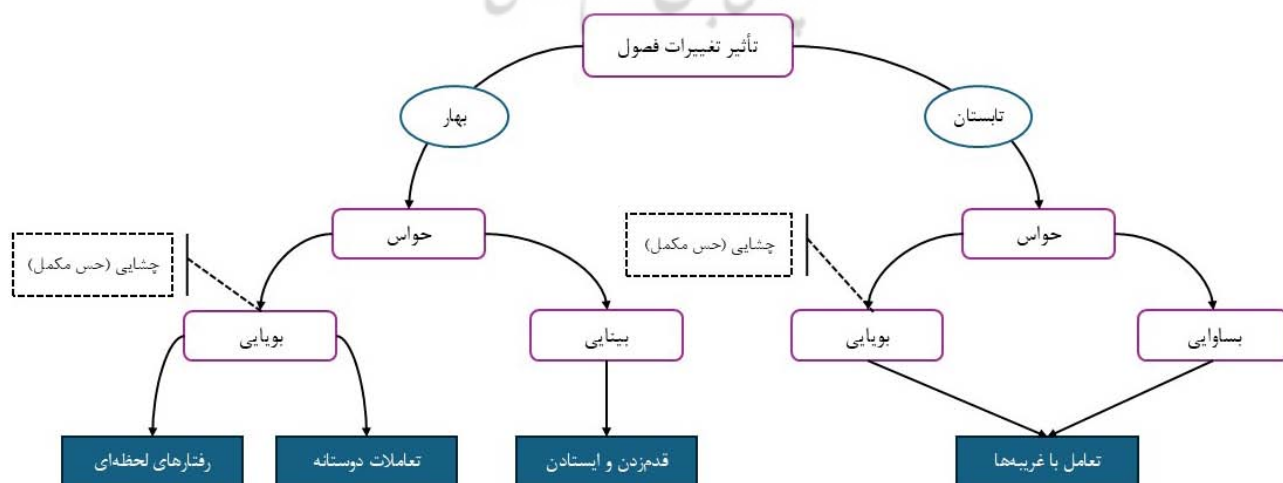
نتیجه گیری

تفاوت در گستره های رفتاری قطعاً علل مختلفی دارد که ریشه در شخصیت و ذات انسان دارد اما ارتباط این تغییرات در یک ظرف کالبدی می تواند دلیل اصلی ابعاد غیر شخصی دگرگونی های رفتاری باشد. رفتارها به عنوان پاسخ های غیرارادی یا ارادی از سوی یک فرد به محرک های محیطی پیرامونی در نظر گرفته می شود که تحریکات حسی موجبات این پاسخ ها را فراهم می سازد. لذا مطابق تصویر ۱۰ که برگرفته از نتایج غایی پژوهش است، می توان این گونه بیان کرد که تغییرات پیرامونی محیط (از نظر مناظر حسی مختلف) است که زمینه ساز شکل گیری یا تغییر در الگوهای رفتاری باشد و تعدد رخداد یا نوع آن را جهت دهی کند.

تأثیر مناظر حسی و تغییرات فصلی بر رفتارهای انسانی در محیط های جمعی، به وضوح قابل مشاهده است. مناظر بویایی و بصری در فصل بهار، به طور خاص منجر به افزایش تعاملات دوستانه و رفتارهای لحظه ای می شود، در حالی که در فصل تابستان، حس بساوی و تغییرات اقلیمی بر تعاملات فرد به فرد با غریبه ها و رفتارهای جمعی تأثیر بیشتری دارد. بررسی الگوهای رفتاری نشان می دهد که تحریکات حسی، عاملی تعیین کننده در انتخاب فضاهای جمعی و نوع رفتارهای رخ داده در آنها است. همچنین، شدت و گستره این رفتارها در قرارگاه های مختلف با توجه به شرایط محیطی و فصول تغییر می کند. رفتارها شامل واکنش های محیطی و تعاملات اجتماعی مختلف هستند که براساس موقعیت هر قرارگاه تفاوت دارند. به عنوان مثال، داده های مسیرهای A-AB و C-CD نشان دهنده تغییرات بارزتری نسبت به سایر مسیرها هستند که نشان دهنده

D تأثیر گذار بوده اند و این مطلب فارغ از تعداد بروز رفتارها بلکه تأثیر گذاری به نسبت رفتارها حائز اهمیت است/ ۲) تابستان: در تابستان و تغییر مناظر حسی نسبت به بهار، کماکان حس بویایی است که در نقاط C و D بیشترین تأثیر گذاری را داراست اما با این تغییرات، منظر بساوی در قرارگاه های B و C عمده تأثیر گذاری بر گستره های رفتاری را برعهده داشته است. این پیمایش ها گواه آن است که حس بویایی از جمله مناظر (حواس) قدرتمند و تأثیر گذار بر جمعیت پذیری یا جمعیت گریزی در محیط رفتاری است. به طور کلی رفتارها و فصول، در فصل بهار تنوع بیشتری تحت تدبیر عوامل مختلف دارد و هر نقطه مکانی مجموعه ای از عوامل حسی را تحت تأثیر قرار می دهد. در تابستان محیط های رفتاری، تغییرات بیشتری در متمرکز سازی روی چند عامل خاص نشان می دهد که شاید این امر به دلیل تغییر شرایط آب و هوایی یا نیازهای انسانی متفاوت باشد.

بخش چهارم تحلیل شامل قیاس میان نقاط مکانی انتخابی برای جمع آوری داده ها و مطالعات رفتارنگاری است. بر همین اساس در نقطه «A» به نظر می رسد که در بهار، مناظر بویایی و بینایی دارای اهمیت بیشتری بوده اند اما در تابستان، تغییرات عمده ای را در این تأثیر گذاری ها مشاهده نمی شود. نقطه «B» در بهار تحت تأثیر عوامل شنیداری (صداها، کلیدی و سیگنال های صوتی) و چشایی، به طور قابل توجهی است اما در تابستان و با تغییرات در مناظر حسی، عوامل بویایی و بساوی به عنوان حواس غالب مشاهده می شوند. در نقطه «C» بیشترین تفاوت ها متعلق به فصل تابستان است که تحت تأثیر عوامل بساوی و چشایی رخ می دهد. نقطه آخر یعنی قرارگاه «D» که در این نقطه، تغییرات زیاده دیده می شود و در فصل تابستان تأثیرات عوامل بویایی به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. شدت عوامل حسی در فصول متفاوت و نقاط مکانی مختلف، نشان از نیاز به برنامه ریزی ویژه برای هر مکان و فصول در جهت بهینه سازی محیط های



تصویر ۱۰. تأثیر تغییرات مناظر حسی بر رخداد های رفتاری فضای درکه. مأخذ: نگارندگان.

در آن حاضر می‌شوند. بدان معنی که یادگیری از جمله خصوصیات یک قرارگاه است و این امر در زمان‌های متفاوت به صورت لایه‌های همپوشان عمل می‌کند و به فرد اضافه می‌شود. لذا درک کامل ساختار محیط به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های مقرهای رفتاری، از جمله ویژگی‌های لینفک این قرارگاه‌ها است. با تمام این تفاسیر می‌بایست به این نکته اشاره کرد، یکی از خصوصیات اصلی این قرارگاه‌ها، عدم انتقال‌پذیری الگوهای جاری به یکدیگر است که این امر بالطبع از تغییرات ادراکی ناشی از ادراک پیرامونی انجام می‌شود اما این ادراک صرفاً از عوامل محیطی نشأت نمی‌گیرد و تجربیات فردی را نیز شامل می‌شود. به طور مثال، اگر میزهای پینگ‌پنگ در یک پارک، توانسته یک قرارگاه رفتاری ورزشی را ایجاد کند و الگوهای ثابت را تغییر دهد، الزاماً در منطقه دیگر موفقیت آن تضمین شده نبوده و ممکن است همان میزها به محلی برای خوابیدن یا وقت‌گذرانی متکدیان تبدیل شود. لذا این عدم انتقال‌پذیری رفتارها که در محیط درکه مشاهده می‌شود به خصوص در نقاط A-AB و مقصد D، دلیل آن بالطبع می‌تواند وابسته به این خصوصیت باشد. تغییرات فصول علاوه بر تأثیر بر ظرف کالبدی و ظاهر محیط رفتاری، علت اصلی انتخاب توسط فرد را شکل می‌دهد، دقیقاً آن را می‌توان در کنار نیاز، از جمله ریشه‌های اصلی انتخاب فضا توسط فرد برای حضور دانست. رابطه کنشی به این مفهوم است که یک مقر رفتاری توسط فرد انتخاب می‌شود و در مقابل نیز، قرارگاه نیز او را انتخاب می‌کند و در فضای درکه کاملاً می‌توان مشاهده کرد که براین اساس، گروه‌های دوستی، ورزشی یا افراد به صورت منفرد، فضا را برای برآورده کردن ابعاد مختلف نیازی خود انتخاب می‌کنند. بروز عمده رفتارهای تعاملاتی در قرارگاه‌ها B-BC و C-CD گواه پذیرش دوسویه این مقرها در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها است. در آخر می‌بایست خاطر نشان کرد که فضای جمعی درکه، با دارا بودن طیف‌های متنوع فعالیتی اجباری، اختیاری و اجتماعی و بالطبع آن رفتارهایی در ذیل همین رسته فعالیت‌ها، توانایی پاسخگویی به طیف بزرگی از نیازها را دارد که البته نقصان‌های کالبدی مانند عدم اصلاح هندسی معابر سواره از یکسو و همچنین رفتارهای منفی مانند گروه‌های بزه و استعمال دخانیات در نقاط مختلف از سوی دیگر، بخش اعظمی از این پتانسیل‌ها را محدود کرده است. با توجه به یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که طراحی محیط‌های شهری باید با در نظر گرفتن تغییرات حسی و فصلی انجام شود تا بتواند نیازهای مختلف کاربران را پاسخ دهد و تعاملات اجتماعی را تقویت کند. همچنین، شناسایی و مدیریت مناظر حسی می‌تواند در بهبود کیفیت تجربه کاربران از فضاهای عمومی مؤثر باشد. این پژوهش

شدت و ضعف بروز الگوهای رفتاری ثابت و جاری در این دو قرارگاه نسبت به سایر مقرهای رفتاری است. یکی از ویژگی‌های مهم قرارگاه‌های رفتاری، «عدم تعمیم‌پذیری الگوهای رفتاری» است و بر همین اساس، داده‌ها نشان می‌دهند که برخی رفتارها در یک قرارگاه ممکن است اصلاً بروز نکنند یا بسیار محدود باشند، در حالی که همان رفتارها در قرارگاه‌های دیگر بروز بیشتری دارند. به عنوان نمونه، در مسیر C-CD، رفتارهای نوع خاصی (مانند تعاملات با غریبه‌ها) در فصل تابستان به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد اما در مسیر D کاهش محسوسی مشاهده می‌شود. همین امر در رفتارهای لحظه‌ای مانند عکس گرفتن یا پناه‌بردن به سایبان و ...، در قرارگاه B-BC رخداد بسیاری دارد اما در قرارگاه A-AB این رخداد به شدت کاهش می‌یابد. در فصل بهار، رفتارها بیشتر در مسیرهای C-CD و D متمرکز بوده‌اند. این نشان‌دهنده تأثیر مناظر حسی متفاوت خاص این مسیرها در این فصل است. در فصل تابستان، رفتارها در مسیرهای B-BC و A-AB افزایش قابل توجهی یافته‌اند. این تفاوت‌ها احتمالاً به تغییرات محیطی (مانند شرایط آب‌وهوایی، تغییر منظره‌ها، یا فعالیت‌های فصلی) مرتبط است. در فصل بهار مجموع کل رخداد رفتارهایی مانند پرسه زدن و حرکت با ۴۹۷ تکرار، نسبت به تابستان با ۵۳۱ مرتبه رخداد رفتاری، نشان دهنده میل پیاده‌روی و حرکت را در تابستان است اما این درحالی است که توزیع رفتارها در بهار یکنواخت‌تر به نظر می‌رسد. در تابستان، رفتارهای نوع خاصی مانند تعاملات با غریبه‌ها و تعاملات دوستانه، افزایش یافته است و توزیع ناهمگن‌تری دارد. عمده این پراکنش‌های رفتاری در مقرهای گوناگون، به واسطه تغییر میزان درک بدنمند محیط پیرامونی است که در تلفیق با عنصر زمان، بازه‌های رخداد را تغییر می‌دهد و موجب بروز شدت و ضعف در رخدادها می‌شود. رفتارهای غالب در هر دو فصل، مسیر C-CD بیشترین تعداد رفتارها را ثبت کرده است که نشان‌دهنده نقش حیاتی این مسیر در شبکه تعاملات رفتاری است. تفاوت‌های معنادار: رفتارهای ثبت شده از قبیل پاتوق کردن‌های طولانی مدت و رفتارهای لحظه‌ای، تغییرات چشم‌گیری بین دو فصل نشان داده‌اند که احتمالاً ناشی از تعاملات در زمان‌های خاص و اثرگذاری محیط‌های حسی مرتبط با این رفتارهاست. بروز رفتارها در قرارگاه‌های مختلف به شدت وابسته به ویژگی‌های محیطی و زمانی است. تغییرات مشاهده شده تأکیدی بر ویژگی‌های ساختاری این قرارگاه‌ها یعنی «سینومورفی» است. هم‌ساختی محیط و رفتار بیان‌گر یک رابطه کنشی و واکنشی میان انسان و ظرف کالبدی است که باشندگان

Principles and standards of architectural space perception in traditional markets. *Urban and Rural Management*, 14(39), 291-316. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1466--fa.html>

- Altman, I. (1975). *The environment and social behavior*. Brooks/Cde.
- Arnheim, R. (2016). *Art and visual perception: A psychology of the creative eye*. Univ of California Press.
- Barker, R. G. (1968). *Behavior Settings: A revision and extension of roger G. Barker's Ecological psychology*. Standford University Press. <https://books.google.com/books?id=pXjU0TFKIYkC&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false>
- Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S., & Smith, G. (2015). *Responsive Environments* (M. Behzadfar, Trans.). Iran University of Science and Technology.
- Dewey, J. (1986). Experience and Education. *The Educational Forum*, 50(3), 241-252. <https://doi.org/10.108000131728609335764/>
- Emamgholi, A., Ayvazian, S., Zadeh Mohammadi, A., & Eslami, S. G. H. (2012). Environmental psychology: The common arena of architecture and behavioral sciences. *Journal of Behavioral Sciences*, 4(14), 2343-. <https://www.sid.ir/paper/190530/en>
- Feli, SH., Habib, F., & Shahcheraghi, A. (2021). Identification of Components Affecting Synomorphy and Utilization Of It In Planning Educational Spaces (Cas: Faculties Of Art and Architecture of Tehran). *Space Ontology International Journal*, 9(4), 4356-. <https://doi.org/10.22094/soij.2020.680517>
- Gehl, J. (1987). *Life between buildings: using public space*. Van Nostrand Reinhold.
- Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *How to study public life* (Vol. 2). Island press.
- Gibson, J. J. (2014). *The ecological approach to visual perception* (Classic ed.). Psychology Press. <https://doi.org/10.43249781315740218/>
- Gifford, R. (2014). *Environmental psychology: Principles and practice* (5th ed.). Optimal Books.
- Grosz, E. (1995). *Space, time and perversion: Essays on the politics of bodies*. Routledge.
- Hemmati, M. & Saboonchi, P. (2021). Perceiver, Perceived, Perceptual Product (Evaluating Experts' Interpretations of the Components of 'Landscape' Definition). *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 13(56), 1429-. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.273356.2115>
- Hosseinzadeh Dalir, K., Moosavi, M. S., Bayramzadeh, N., & Pashachini, H. (2022). Investigating the effect of urban space on citizens' behavioral patterns (Case study: Imam Street, Urmia). *Geography and Urban Space Development*, 9(2), 3753-. <https://>

تأکید می‌کند که هماهنگی میان عوامل کالبدی و تحریکات حسی محیط، بستری برای تقویت رفتارهای مثبت و کاهش ناهنجاری‌های رفتاری فراهم می‌کند. براین اساس، طراحی فضاهای جمعی باید به گونه‌ای باشد که با در نظر گرفتن چرخه‌های فصلی و ویژگی‌های محیطی، امکان تعامل مؤثر میان انسان و محیط را فراهم کند. استفاده از عناصر حسی، مانند تقویت مناظر بویایی و بصری در فصل بهار یا بهینه‌سازی حس بساوایی در تابستان، می‌تواند به بهبود کیفیت تجربه کاربران در این فضاها کمک کند. در نهایت، این پژوهش به شناسایی نقش مناظر حسی در تأثیرگذاری بر رفتارهای انسانی پرداخته و راهکارهایی برای ارتقای کیفیت محیط‌های شهری و طبیعی ارائه داده است. تأثیرات مثبت تحریکات حسی، در کنار مدیریت مناسب محیط‌های جمعی، می‌تواند به ایجاد فضاهایی مطلوب‌تر برای تعاملات اجتماعی و رشد کیفیت زندگی منجر شود. یافته‌های این مطالعه نه تنها مبنایی برای مطالعات آینده در حوزه روانشناسی محیطی است بلکه کاربرد عملی در برنامه‌ریزی شهری و طراحی فضاهای جمعی دارد. با استفاده از این یافته‌ها، می‌توان در جهت ایجاد محیط‌هایی پویا، منعطف و پاسخگو به نیازهای انسانی گام برداشت.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

Merleau-Ponty. ۱

Gibson. ۲

Steiner. ۳

Dewey. ۴

Gehl. ۵

Copermarcus and Francis. ۶

فهرست منابع

- احمدی، الهه و غیورفر، علیرضا. (۱۴۰۱). دریافت معانی باغ ایرانی از منظر پدیدارشناسی ادراک حسی مرلوپونتی. *شبک، ۸* (۶)، ۴۱-۵۰. <https://www.sid.ir/paper/1059573/fa>
- صالحی‌نیا، مجید و نیرومند شیشوان، مهدیه. (۱۳۹۷). تبیین نقش مؤلفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز. *شهر ایرانی اسلامی، ۸* (۳۱)، ۱۹-۳۱. <https://www.sid.ir/paper/523023/fa>
- عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۹). فضاهای عمومی شهر. *منظر، ۷* (۳)، ۲۰-۱۸. https://www.manzar-sj.com/article_378.html?lang=fa
- یزدانی، آمنه و لواسانی، مونا. (۱۳۸۹). تحلیل عوامل موفقیت جلوخان تئاتر شهر. *منظر، ۲* (۷)، ۴۲-۴۵. https://www.manzar-sj.com/article_385.html
- Abbasi, Z., Habib, F., & Mokhtabad Amrei, S. M. (2015).

doi.org/10.22067/jgusd.2021.67083.0

- Jo, H.I., & Jeon, J.Y. (2022). Perception of urban soundscape and landscape using different visual environment reproduction methods in virtual reality. *Science Direct*, 186, 108498. <https://doi.org/10.1016/j.apacoust.2021.108498>
- Kaplan, R., & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*. Cambridge University Press.
- Khatibi, S. M. R. (2013). The Effect of Behavioral Pattern for Regeneration of Urban Environment Identity in Urban Designed Interventions (Case Study: Entrance Area of Sanandaj). *Hoviat Shahr*, 13(7), 6373-. https://journals.srbiau.ac.ir/article_1943.html
- Lang, J. (2009). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design* (A. Einifar, Trans.). University of Tehran.
- Lotfi, A., & Zamani, B. (2015). The effect of Sensescape criteria in quality of Equipped Community Spine (Case study: Isfahan, Aligholiagha spine). *Motaleate Shahri*, 4(13), 4356-. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_11744.html
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. MIT Press. https://books.google.com/books?id=_phRPWsSpAgC&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false
- Ma, R., Luo, Y., & Furuya, k. (2023). *Gender Differences and Optimizing Women's Experiences: An Exploratory Study of Visual Behavior While Viewing Urban Park Landscapes in Tokyo, Japan*. *Sustainability*, 15(5), 214-. <https://doi.org/10.3390/su15053957>
- Mansournia, S., Gharaei, F., & Bahrami, B. (2016). Behavior mapping: An approach to assessment of urban spaces responsiveness. Case study: *Recreational space of Zrêbar lake waterfront, Marivan, Kurdistan*. *Motaleate Shahri*, 5(18), 7790-. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_32062.html?lang=en
- Medway, D. (2015). Rethinking place branding and the 'other' senses. In M. Kavaratzis, G. Warnaby, & G. J. Ashworth (Eds.), *Rethinking place branding: Comprehensive brand development for cities and regions* (pp. 191209-). Springer.
- Merleau-Ponty, M. (1945). *Phenomenology of Perception* (C. Smith, Trans.). Routledge.
- Milligan, M. J. (1998). Interactional Past and Potential: The Social Construction of Place Attachment. *Symbolic Interaction*, 21(1), 1-33. <https://doi.org/10.1525/si.1998.21.1.1>
- Milligan, M. J. (2003). Displacement and Identity Discontinuity: The Role of Nostalgia in Establishing New Identity Categories. *Symbolic Interaction*, 26(3), 381-403. <https://doi.org/10.1525/si.2003.26.3.381>
- Mokhtari, M. H. (2020). Sense perception in Aristotle and Mullā Ṣadrā. *Kheradname-ye Sadra*, 25(3), 3140-. Retrieved from <http://kherad.mullasadra.org/en/Article/24052/FullText>
- Motalebi, G. H. (2022). Environmental psychology: The new

knowledge-based discipline at architecture and urban design's service. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, (10), 5267-. Retrieved from <https://sid.ir/paper/5650/en>

- Paknezhad, N., & Latifi, G. (2019). Explanation and evaluation of the impact of environmental factors on the formation of behavioral patterns in urban spaces (From theory to practice: Study of Tajrish Square). *Bagh-e Nazar*, 15(69), 51-66. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.82313>
- Paknezhad, N., Tabibian, M., & Latifi, G. (2021). How to form behavioral patterns in the space organization of Zargandeh and Daroos neighborhoods using Agraph software. *Bagh-e Nazar*, 18(97), 4762-. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.242285.4622>
- Pallasmaa, J. (2024). *The eyes of the skin: Architecture and the senses* (4th ed.). Wiley. <https://books.google.com/books?id=txfwEAAAQBAJ&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false>
- Porteous, J. D. (1985). Smellscape. *Progress in Human Geography*, 9(3), 356378-. <https://doi.org/10.1177030913338500900303/>
- Pour Shafei, H., Rostami Nezhad, M. A., & Mohammadzadeh, M. (2021). STEM education approaches: A systematic review. *Educational Research Quarterly*, 7(26), 120-. Retrieved from https://journals.cfu.ac.ir/article_1756.html
- Rodaway, P. (2002). *Sensuous geographies: body, sense and place*. Routledge.
- Sadegh Zadeh Ghamsari, F. (2009). Common sense and its perceptual functions according to Aristotle and Ibn Sina. *Wisdom and Philosophy*, 5(20), 3351-. <https://doi.org/10.22054/wph.2010.5781>
- Sarmadi, S., Shahcheraghi, A., & Karimifard, L. (2020). Perceiving landscape process based on sensory and intellectual perceptions. *Bagh-e Nazar*, 17(88), 2738-. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.195136.4236>
- Shahcheraghi, A. (2010). Analysis of the process of environmental perception of the Iranian garden based on ecological psychology theory. *HOVIATESHAHR*, 3(5), 7184-. <https://sid.ir/paper/154660/en>
- Shahcheraghi, A., & Benderabad, A. (2016). *Environed in the environment*. Jahad-e Daneshgahi.
- Shojaei, D., & Partovi, P. (2015). Analysis of factors affecting the creation and promotion of sociability in public spaces in different scales of Tehran City (Case studies: Two neighborhoods and an area in District 7 Tehran). *Bagh-e Nazar*, 12(34), 93108-. https://www.bagh-sj.com/article_11093.html
- Steiner, F. (2011). Landscape ecological urbanism: Origins and trajectories. *Landscape and urban planning*, 100(4), 333-337. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2011.01.020>
- Tafakkor, S., Shahcheraghi, A., & Habib, F. (2020). Review of synomorphy theory in architecture of Persian local bazaar:

Case study: Tajrish Bazaar, Tehran. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 13(28), 93113-. <https://doi.org/10.30480/aup.2020.2332.1440>

• Wang, SH., & Li, A. (2022). Demographic Groups Differences in Restorative Perception of Urban Public Spaces in COVID- 19. *Buildings*, 12(7), 869880-. <https://doi.org/10.3390/buildings12070869>

• Wankhede, K., & Wahurwagh, A. (2016). The sensory experience and perception of urban spaces. *International Journal on Emerging Technologies*, 7(1), 741744-. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.researchtrend.net/ijet/pdf/12796-.pdf&ved=2ahUKEwjlpP3nna2MAxVWxQIHhfduB8sQFnoECBsQAQ&usg=AOvVaw2jV_99Vec1uTrQXabcRKGD

• Wertheimer, M. (2017). Untersuchungen zur Lehre von der Gestalt. *Gestalt Theory*, 39(1), 7989-. <https://doi.org/10.1515/gth-20170007->

• Zabetian, E., & Kheyroddin, R. (2018). Assessing the sense of place levels in urban spaces (Case study: Imam Khomeini Square and Imam Hossein Square, Tehran City). *Urban Planning Knowledge*, 2(2), 4763-. <https://doi.org/10.22124/upk.2018.10448.1091>

• Zardini, M. (2016). Toward a sensorial urbanism. *Sensing the city: A companion to Urban Anthropology*, 155, 141. <https://doi.org/10.1515014-9783035607352/>

• Zheng, H., Luo, M., Wang, Y., & Wei, Y. (2024). Multi-Sensory Interaction and Spatial Perception in Urban Microgreen Spaces: A Focus on Vision, Auditory, and Olfaction. *Sustainability*, 16(20), 8809. <https://doi.org/10.3390/su16208809>

• Zia, M., Ghasemi, M., Moeuni, M., & Norouzi, Maliheh. (2019). Explaining Components of Synomorphy in the Outdoor Behavior Setting of Residential Complexes: A Case Study of Kerman Residential Complexes. *Creative City Design*, 2(2), 46-55. <https://sanad.iau.ir/Journal/crcd/Article/919621>



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

شریف کاظمی، سعید؛ حبیب، فرح و قلمبر دزفولی، مریم. (۱۴۰۴). بررسی تأثیر تغییرات فصول بر قابلیت‌های ادراک بدنمند بر رفتار (مورد مطالعاتی: فضای درکه در تهران). *باغ نظر*, ۲۲ (۱۴۳)، ۵-۲۲.

DOI: 10.22034/BAGH.2025.486239.5696

URL: https://www.bagh-sj.com/article_217485.html

